



## The Impact of Familial Factors on the Rate and Type of Female Delinquency Imprisoned in Kermanshah

Ali saffary<sup>1</sup>, Razieh saberi<sup>2</sup>, Rujin Cheraghian<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** The family, as the primary social institution, plays a crucial role in shaping individual personality, and its dysfunction can foster delinquency. Female offenders often reflect underlying family dysfunction in addition to unfavorable environmental conditions. This study aimed to identify the most significant family-related factors influencing criminal behavior among incarcerated women in Kermanshah.

**Method:** This quantitative, descriptive–analytical study included 80 incarcerated women during the first half of 2024, assessed through a census approach; 70 valid questionnaires were analyzed. Data were collected via a researcher-designed instrument across four dimensions, with reliability and validity confirmed (AVE = 0.86,  $\alpha = 0.82$ ). Data analysis employed descriptive statistics, correlation tests, multivariate regression, and logistic modeling.

**Findings and Conclusions:** Results indicated a nonlinear relationship between age, education, and criminal tendency, with higher risk observed in mid-adulthood and among women with university education. The strongest predictors of delinquency were parental criminal history, family conflicts, and domestic violence, each significantly increasing the likelihood of offending. The regression model explained approximately 72% of the variance in criminal tendency. Stable parental employment had a protective role, whereas larger family size exerted additional strain. Moreover, offense patterns shifted with age, moving from financial crimes toward violent and drug-related offenses. Family dysfunction—particularly parental criminal records and domestic violence—plays a central role in female delinquency. The model's strong explanatory power (72%) highlights the systematic influence of family factors. These findings underscore the need for family-centered preventive interventions, economic support for high-risk families, parenting education, and the development of community-based programs.

**Keyword:** Familial factors, incarcerated women in Kermanshah, domestic violence, family structural dysfunction, crime prevention.

\* Citation (APA): saffary, A., saberi, R., Cheraghian, R. (2025). The Impact of Familial Factors on the Rate and Type of Female Delinquency Imprisoned in Kermanshah. *Applied criminology research*, 3(9), 1-30.

[https://www.qacr.ir/article\\_732114.html?lang=en](https://www.qacr.ir/article_732114.html?lang=en)

1. Associate Prof., Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: alisaffary2020@gmail.com

2. Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: r.saberi@iau.ac.ir

3. M.A. in Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: j-5960061406@iau.ir



## عوامل خانوادگی مؤثر بر میزان و نوع بزهکاری زنان زندانی در کرمانشاه

علی صفاری<sup>۱</sup>، راضیه صابری<sup>۲</sup>، روزین چراغیان<sup>۳</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی نقشی اساسی در شکل‌گیری شخصیت فرد دارد و ناکارآمدی آن می‌تواند زمینه‌ساز بزهکاری باشد. زنان بزهکار علاوه بر قرار گرفتن در شرایط محیطی نامطلوب، اغلب بازتابی از اختلال کارکرد خانواده‌اند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مهم‌ترین عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری زنان زندانی در ندامتگاه کرمانشاه انجام شد.

**روش:** این پژوهش کمی و توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری شامل ۸۰ زن زندانی در نیمه اول سال ۱۴۰۳ بود که به روش تمام‌شماری بررسی شدند؛ ۷۰ پرسشنامه معتبر تحلیل شد. داده‌ها با پرسشنامه محقق‌ساخته در چهار محور جمع‌آوری و روایی و پایایی آن تأیید شد ( $\alpha=0.82$ ،  $AVE=0.86$ ). تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی، همبستگی، رگرسیون چندمتغیره و مدل لجستیک انجام گرفت.

**یافته‌ها و نتایج:** نتایج نشان داد رابطه سن و تحصیلات با گرایش به جرم غیرخطی است؛ گرایش به جرم در میانه بزرگسالی و نیز در سطح تحصیلات دانشگاهی افزایش می‌یابد. مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری سابقه کیفری والدین، تعارضات خانوادگی و خشونت خانگی بودند که احتمال ارتکاب جرم را چندین برابر افزایش دادند. مدل رگرسیون حدود (۷۲٪) از واریانس گرایش به بزهکاری را تبیین کرد. همچنین، شغل پایدار والدین نقش حمایتی و تعداد فرزندان اثر فشاری داشت. الگوی نوع جرم نیز با افزایش سن از جرایم مالی به سمت جرایم خشونت‌آمیز و مواد مخدر تغییر کرد. اختلال در کارکرد خانواده به‌ویژه سابقه کیفری والدین و خشونت خانگی، نقشی محوری در بزهکاری زنان دارد. تبیین بالای مدل (۷۲٪) بیانگر اثرگذاری نظام‌مند عوامل خانوادگی است. این نتایج ضرورت طراحی مداخلات پیشگیرانه خانواده‌محور، حمایت اقتصادی از خانواده‌های پرخطر، آموزش فرزندپروری و توسعه برنامه‌های محله‌محور را آشکار می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** عوامل خانوادگی، زنان زندانی کرمانشاه، خشونت خانوادگی، اختلال ساختاری خانواده، پیشگیری از جرم.

\*استناددهی (APA): صفاری، علی، صابری، راضیه و چراغیان، روزین. (۱۴۰۴). عوامل خانوادگی مؤثر بر میزان و نوع بزهکاری زنان زندانی در کرمانشاه. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۹)، ۱-۳۰.

[https://www.qacr.ir/article\\_732114.html](https://www.qacr.ir/article_732114.html)

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رایانامه: [alisaffary2020@gmail.com](mailto:alisaffary2020@gmail.com)

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: [r.saberi@iau.ac.ir](mailto:r.saberi@iau.ac.ir)

۳. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: [j-5960061406@iau.ir](mailto:j-5960061406@iau.ir)

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، گرایش به رفتارهای مجرمانه در جوامع مختلف به‌ویژه در میان زنان، با رشد قابل توجهی همراه بوده است. اگرچه سهم مطلق بزهکاری زنان همچنان کمتر از مردان است، لیکن روند افزایشی میزان و تنوع‌گرایی آنان موجب شده تا توجه جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و پژوهشگران حوزه زنان به بررسی و زمینه‌های این پدیده معطوف گردد. بر اساس گزارش‌های سازمان، در دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶، رشد جهانی جرایم بیش از رشد جمعیت بوده است و مطالعات بعدی نشان می‌دهند که زنان در دهه‌های اخیر سهم بیشتری در جرایم مالی و گاه خشونت‌آمیز داشته‌اند (استفنس‌مایر، ۱۹۹۶، ص ۶۶۰-۶۷۵).

از منظر جامعه‌شناختی، بزهکاری زنان محصول تعامل پیچیده عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی است و خانواده به عنوان اولین نهاد، نقشی جهت‌دهنده یا بازدارنده در رفتار ایفا می‌کند. شواهد نشان می‌دهد خانواده‌هایی که با خشونت، بی‌ثباتی رابطه یا محرومیت اقتصادی مواجه‌اند، احتمال بروز انحراف در زنان را افزایش می‌دهند (ربانی اصفهانی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷-۳۳؛ زمانی، ۱۳۹۱، ص ۷۹-۹۹؛ باربر، ۱۹۹۲، ص ۶۹-۷۹). افزون بر این، ساختارهای سنتی و تبعیض جنسیتی با محدود کردن فرصت‌های تحصیلی و شغلی، زنان را در برابر فشارهای معیشتی آسیب‌پذیرتر می‌سازد (ملک‌الساداتی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱-۱۶). این عوامل، در کنار تجارب منفی مانند سوء رفتار، می‌توانند زمینه‌ساز جرایمی چون سرقت و کلاهبرداری شوند.

مطالعات پیشین اغلب در سطح کلان یا نظری بوده و به ویژگی‌های فرهنگی و شرایط خانوادگی مناطق مشخصی مانند کرمانشاه توجه کافی نکرده‌اند. بررسی‌های محلی نشان می‌دهد؛ زنان زندانی در کرمانشاه با مشکلات خانوادگی متنوعی روبه‌رو هستند، اما رابطه متغیرهای خانوادگی (نظیر ساختار خانواده، نوع تعاملات و پیشینه خشونت) با میزان و نوع جرایم در این منطقه به‌صورت نظام‌مند و دقیق تحلیل نشده است.

ارزش و نوآوری این پژوهش در سه جنبه نهفته است: (۱) آزمون تجربی نظریه‌ها در بافت کمتر مطالعه‌شده کرمانشاه؛ (۲) ارائه شواهد میدانی و داده‌های کمی و (۳) تمرکز بر عوامل خانوادگی جهت تدوین سیاست‌های پیشگیرانه؛ بنابراین، این پژوهش با عنوان «عوامل خانوادگی مؤثر بر میزان و نوع بزهکاری زنان زندانی در کرمانشاه»، می‌کوشد نقش مؤلفه‌های خانوادگی را بر اساس داده‌های میدانی تبیین کند. انتظار می‌رود نتایج آن به شناسایی نقاط ضعف حمایتی در خانواده‌ها و ارائه راهکارهای پیشگیری و اصلاحی هدفمند برای نهادهای مسئول منجر شود.

در ادامه، پس از مرور مبانی نظری و روش‌شناسی، یافته‌های میدانی ارائه و تحلیل شده و در نهایت، پیشنهادهایی برای مداخلات پیشگیرانه و اصلاحی مطرح خواهد شد.

### ۱. ادبیات پژوهش

بررسی ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش، زمینه‌ای نظری و تجربی برای درک عمیق‌تر مسئله فراهم می‌سازد. در این بخش، ابتدا با تبیین چارچوب‌های نظری مرتبط، تلاش می‌شود مبانی مفهومی و تبیین‌های علمی پیرامون مسئله روشن گردد. سپس با مرور مطالعات پیشین، جایگاه این پژوهش در میان آثار موجود تبیین و خلأهای موجود شناسایی خواهد شد.

#### ۱-۱. چارچوب نظری

خانواده به عنوان نهادی مرکزی در جامعه‌پذیری و شکل‌دهی سرمایه اجتماعی، یکی از محوری‌ترین متغیرها در تحلیل بزهکاری است. کارکردهای ساختاری و لایه‌های عاطفی- تربیتی خانواده نقشی تعیین‌کننده در مهار یا تسهیل انحراف دارند و اختلال در این کارکردها می‌تواند فرد را در مسیر گرایش به جرم قرار دهد.

گود با بهره‌گیری از مفهوم آنومی، نشان می‌دهد که فروپاشی کارکردی خانواده- شامل فقدان والدین، بی‌ثباتی عاطفی، کنترل افراطی یا غفلت- انسجام روانی فرد را مختل کرده و او را در معرض بی‌هنجاری قرار می‌دهد. از این منظر، خانواده منسجم، اولین سد در برابر فشارهای ساختاری است و ضعف آن می‌تواند به بی‌تفاوتی نسبت به هنجارها بینجامد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۶۴-۶۹؛ اعزازی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۳). پژوهش‌های تجربی (نظیر نای، گلوک‌ها، والرستین و کلی) نیز با تأیید این دیدگاه، نشان داده‌اند که فقدان نظارت، حمایت عاطفی یا تعارضات مزمن خانوادگی، مستقیماً با آسیب‌های روانی و رفتارهای انحرافی مرتبط است (کی‌نیا، ۱۴۰۳، ص ۲۰۴-۲۰۶؛ برنبرگ، ۲۰۱۹؛ محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۳-۷۵).

از منظری دیگر، هارلاک ریشه‌های انحراف را در شیوه‌های کنترل و تربیت ناپایدار و کمبود تعامل فعال با کودک می‌جوید؛ به عقیده او، هم فقدان ارتباط مستمر و هم سبک‌های تربیتی ناسازگار (مانند سخت‌گیری یا محبت افراطی) به کاهش عزت‌نفس و گرایش به رفتارهای جبرانی منجر می‌شود (هورلاک، ۱۹۷۴، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ مانداتوری و فیچ، ۲۰۲۱؛ محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۴). لاونولت نیز با مفهوم «فضای عاطفی خانواده» تأکید می‌کند که کیفیت تعاملات روزمره، پایه‌های درونی‌سازی هنجارها را شکل می‌دهد؛ بنابراین، محیط‌های عاطفی پرتنش (مانند خشونت کلامی) با تقویت احساس ناامنی، بستر روانی گرایش به انحراف را

فراهم می‌آورند (کاپتانویچ و اسکوگ، ۲۰۲۰، ص ۱۴۵-۱۵۰؛ محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۷۵).

نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، بزهکاری را محصول تضعیف پیوندهای اجتماعی می‌داند و چهار مؤلفه دل‌بستگی، تعهد، مشارکت و باور را برجسته می‌کند. اگر این مؤلفه‌ها در خانواده شکل نگیرند، فرد نسبت به قواعد اجتماعی بی‌تفاوت می‌شود. نای نیز با معرفی انواع نظارت خانوادگی (درونی، غیرمستقیم، مستقیم و ارضای نیازها)، نشان می‌دهد که حتی خانواده‌های ساختاری آسیب‌دیده نیز در صورت فراهم کردن فضای حمایتگر، می‌توانند نقشی پیشگیرانه ایفا کنند (هیرشی، ۱۹۶۹، ص ۱۹-۲۶؛ میرز و استافورد، ۲۰۲۲، ص ۱۵-۲۰؛ نای، ۱۹۵۸، ص ۲۳-۲۷).

نظریه ناکامی منزلتی کوهن، بعد اجتماعی-اقتصادی را برجسته می‌سازد؛ نابرابری فرصت‌ها در خانواده‌های طبقه پایین و ناتوانی در تحقق منزلت مشروع، نوجوانان را به خرده‌فرهنگ‌های جایگزین سوق می‌دهد. برای دختران، محدودیت‌های خانوادگی در تحصیل و اشتغال این محرومیت را مضاعف کرده و آنان را به سمت جبران منزلت از طریق بزهکاری می‌برد (کوهن، ۱۹۷۱، ص ۲۸؛ سیگل و سنا، ۱۹۹۳، ص ۲۸؛ ممتاز، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰-۱۰۲؛ راج‌خوا و دکا، ۲۰۲۳، ص ۸۹-۱۰۵). در نهایت، نظریه ارتباط افتراقی ساترلند فرایند یادگیری اجتماعی رفتار مجرمانه را از طریق الگوگیری و مشاهده در تعاملات خانوادگی توضیح می‌دهد. در خانواده‌های پرتعارض، تعاریف انحرافی نهادینه شده و خلأهای عاطفی و کنترلی می‌تواند زنان را به گروه‌ها یا الگوهای هنجارشکن بکشاند (الیوت و شلدون، ۱۹۹۸، ص ۵۵۰؛ ویلیامز و مک‌شین، ۲۰۱۸، ص ۱۲۶).

در مجموع، نظریه‌ها خانواده را نهادی چندلایه و پویا می‌دانند که در آن، ساختار قدرت، سبک‌های تربیتی، فضای عاطفی، نظارت و دسترسی به فرصت‌ها، همگی در تکوین یا پیشگیری از بزهکاری زنان تعیین‌کننده‌اند. ترکیب این دیدگاه‌ها چارچوبی منسجم برای تحلیل فراهم می‌آورد که جزئیات عملیاتی‌سازی آن در بخش روش‌شناسی تشریح خواهد شد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی و خارجی مکرراً نقش ساختار و کارکرد خانواده را در بزهکاری زنان تأکید کرده‌اند. شیردل و محمدی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای کیفی، «عدم انسجام خانوادگی» (طلاق، اعتیاد، خشونت و فقر) را پدیده‌ای محوری دانستند که احتمال ارتکاب و تکرار جرم را افزایش می‌دهد. فرهنگ و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند که فقدان حمایت عاطفی و مادی و سوء استفاده والدین، تجربه‌های نامطلوب کودکی هستند که با ایجاد اضطراب مزمن به پرخاشگری و گرایش به شبکه‌های خلاف در بزرگسالی منجر می‌شود. عبّاسی و همکاران (۱۳۹۸) نیز

گزارش کردند «نظام خانواده آشفته» (پدر معتاد، تحقیر مداوم) از طریق فقدان نظارت و بی‌توجهی عاطفی، زمینه‌ساز رفتارهای ضد اخلاقی است.

همتی (۱۳۹۶) «ازهم‌پاشیدگی خانوادگی»، سطح تحصیلات پایین، اعتیاد و فقر را از عوامل مهم جرم‌انگیز معرفی کرد. زمان‌زاده و شادمان‌فر (۱۳۹۶) نشان دادند تحصیلات پایین والدین، درآمد کم، پایگاه اقتصادی-اجتماعی ضعیف، سابقه جرایم مخدر در خانواده و طلاق، عوامل خطر ساز مؤثری در گرایش به این جرایم بوده‌اند. اسماعیلی (۱۳۹۵) بین بزهکاری زنان و متغیرهایی چون غیبت والدین، خشونت خانگی و فقدان محبت، رابطه معناداری یافت و نتیجه گرفت که عوامل خانوادگی نقشی قوی‌تر از متغیرهای مذهبی دارند.

حسینی و صالحی (۱۳۹۲) «رفتار مجرمانه اعضای خانواده»، نبود نظارت و فقر را از عوامل اصلی بزهکاری شناسایی کردند که یافته‌هایشان نظریه‌های پیوند و کنترل اجتماعی را تقویت می‌کند. زمانی (۱۳۹۱) گزارش کرد که نارضایتی گسترده زنان مجرم از زندگی خانوادگی و عواملی چون فقر و تنش، موجب گسست پیوندهای خانوادگی و سوق‌یابی به جرم شده است. حسینی و یگانه‌کار (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تطبیقی، تفاوت معناداری در دل‌بستگی، کنترل والدین و سابقه انحراف والدین یافتند که از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی پشتیبانی می‌کند. شایگان و جبلی (۱۳۸۹) نشان دادند بی‌توجهی والدین، خشونت و تبعیض در کودکی نقش مؤثری در گرایش به بزهکاری دارد و ناسازگاری خانوادگی مهم‌ترین عامل ذکر شد. صفدری (۱۳۸۹) نیز اختلاف والدین، تبعیض و سابقه محکومیت اعضای خانواده را از عوامل افتراق میان دختران بزهکار و غیربزهکار دانست.

شاهیوندی و همکاران (۱۳۸۹) دریافتند کمبود محبت در جرایم سنگین نقش برجسته‌ای دارد؛ نتیجه‌ای که نظریه «فضای عاطفی خانواده» را تأیید می‌کند. تقوی و کاظمی‌فر (۱۳۸۹) پی بردند رفتارهای نابهنجار اعضای خانواده (و نه صرفاً میزان کنترل) عامل اصلی انحراف است؛ یافته‌ای که به نظریه یادگیری اجتماعی نزدیک است. حاتمی‌مقدم و احمدنیا (۱۳۸۶) عواملی چون ارتکاب جرم در خانواده، نظارت ناکافی، تبعیض و ازدواج اجباری را زمینه‌ساز بزهکاری دانستند که مؤلفه‌های نظریه‌های کنترل اجتماعی و ناکامی منزلتی را بازتاب می‌دهد. پولادی و همکاران (۱۳۷۸) دریافتند عوامل خانوادگی، روانی و اقتصادی مؤثرند، درحالی‌که مشکلات زناشویی برای زنان متأهل نقش چشمگیری داشت.

در سطح بین‌المللی، بولز و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند رویدادهای منفی کودکی و نظارت ضعیف، زنان را به مصرف مواد و ارتکاب جرم سوق می‌دهد. مزارول اسلام و تالوکده (۲۰۲۱) در بنگلادش تأکید کردند فقر، سوء استفاده و نابسامانی خانواده، زنان را به جرایمی چون قتل و سرقت می‌کشاند. فوستر و سالیزبری (۲۰۲۵) نشان دادند تجربه خشونت

کودکی با کاهش عزت‌نفس، مسیر ورود زنان به بزهکاری را تسهیل می‌کند و بر ضرورت مداخلات خانوادگی تأکید کردند. کریمرس و همکاران (۲۰۲۵) در مروری دریافتند کیفیت رابطه والد- فرزند، نظارت، سبک‌های تربیتی و انسجام خانواده با افزایش بزهکاری مرتبط است، درحالی‌که مشارکت خانواده نقش محافظتی دارد. کاپ و همکاران (۲۰۲۵) با تکیه بر نظریه یادگیری اجتماعی، نشان دادند رفتارهای والدین مستقیماً با جرم فرزندان مرتبط بوده و انتقال نگرش‌ها، ریسک جرم را تا بزرگسالی افزایش می‌دهد که بر ضرورت برنامه‌های خانواده‌محور تأکید دارد. هاتاوی (۲۰۲۵) نیز نشان داد اختلالات خانوادگی ریسک جرم را افزایش داده و سابقه کیفری در خانواده با «نرمال‌سازی» رفتار مجرمانه، ورود به چرخه جرم را تسهیل می‌کند.

در مجموع، ادبیات پژوهشی انسجام پایین خانواده، نظارت ناکافی، خشونت، اعتیاد و فقر را علل اصلی بزهکاری زنان معرفی می‌کند. با این حال، اکثر پژوهش‌ها بر شدت و فراوانی جرم متمرکز بوده و به «نوع» جرم و متغیرهای نوینی چون پایگاه شغلی والدین، تعداد فرزندان و محل زندگی کمتر توجه کرده‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر زنان زندانی کرمانشاه و تحلیل همزمان «میزان» و «نوع» بزهکاری در رابطه با این متغیرهای کمتر بررسی شده، می‌کوشد این خلاء را پر کرده و شواهدی برای سیاست‌های پیشگیرانه مبتنی بر داده ارائه دهد.

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش کمی با روش توصیفی- تحلیلی، تأثیر عوامل خانوادگی بر نوع و میزان بزهکاری زنان زندان کرمانشاه در نیمه نخست سال ۱۴۰۳ را بررسی می‌کند. جامعه آماری، کل زنان زندانی (۸۰ نفر) بود که به روش تمام‌شماری نمونه‌گیری و از آن‌ها ۷۰ پرسشنامه معتبر تحلیل شد.

ابزار گردآوری داده، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته مبتنی بر مبانی نظری و پیشینه بود که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ساختار خانواده، حمایت والدین، تجربه خشونت و سابقه مجرمانه را می‌سنجید. روایی محتوایی آن توسط چهار متخصص تأیید و روایی همگرا (AVE)  $= 0.86$  و پایایی درونی (آلفای کرونباخ  $= 0.82$ ) آن محاسبه گردید.

جدول عملیاتی‌سازی زیر، فرایند تبدیل سازه‌های نظری به گویه‌های پرسش‌نامه و ارتباط آن‌ها را با مبانی نظری نشان می‌دهد.

جدول ۱- عملیاتی سازی سازه‌ها و گویه‌های پرسشنامه همراه با ضریب پایایی (α)

کرونیخ	نمونه متن آیتم	شماره گویه‌ها	نظریه مرجع	تعریف نظری / مؤلفه‌های کلیدی	سازه
۰.۸ ۱	«والدین یا سرپرستانم همیشه به احساسات و مشکلاتم اهمیت می‌دادند».	۱۵، ۱۷ و ۱۸	نظریه «فضای عاطفی خانواده» لاونولت (۱۹۷۴)	صمیمیت، اعتماد و تعامل مثبت در خانواده	کیفیت روابط خانوادگی
۰.۷ ۸	«والدینم از محل صرف اوقات فراغتم آگاه هستند».	۷ و ۹	نظریه کنترل خانوادگی نای (۱۹۵۸)	کنترل مستقیم و غیرمستقیم والدین بر رفتار فرزندان	نظارت والدین
۰.۸ ۴	«والدین یا سرپرستانم به موقع نیازهای مالی‌ام را تأمین می‌کردند».	۱۸	نظریه کنترل خانوادگی نای (۱۹۵۸)	تأمین مالی مستمر نیازهای ضروری زندگی	حمایت مادی والدین
۰.۷ ۹	«در دوران کودکی شاهد خشونت خانوادگی بودم».	۱۴	نظریه «فضای عاطفی خانواده» لاونولت (۱۹۷۴)	مواجهه با خشونت کلامی یا فیزیکی در خانواده	تجربه خشونت خانوادگی
۰.۸ ۰	«والدینم چندبار در هفته مواد یا الکل مصرف می‌کردند».	۱۶	نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷)	الگوی مستمر مصرف مواد یا الکل توسط والدین	مصرف مزمن مواد/الکل
۰.۸ ۳	«خانواده‌ام در دوران کودکی با مشکلات اقتصادی شدیدی مواجه بود».	۱۹	نظریه فشار مرتون (۱۹۳۸) و ناکامی منزلتی کوهن (۱۹۷۱)	فقدان منابع مالی و فشارهای اقتصادی مزمن دوران کودکی	محرومیت اقتصادی کودکی

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در بخش توصیفی، متغیرهای جمعیت‌شناختی و خانوادگی توصیف شدند. برای تحلیل استنباطی، از آزمون‌های همبستگی پیرسون، t مستقل، تحلیل واریانس (ANOVA)، آزمون‌های دو و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه، محرمانگی اطلاعات و شرکت داوطلبانه رعایت گردید. این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های میدانی و تحلیل آماری دقیق، درصد ارائه تصویری روشن از نقش عوامل خانوادگی در بزهکاری زنان زندانی بوده است.

### ۳. یافته‌های پژوهش

در این بخش، داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش تحلیل شده‌اند. ابتدا، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند سن، وضعیت تأهل و تعداد فرزندان بررسی شده‌اند تا تصویری کلی از وضعیت زنان زندانی ارائه شود. سپس با تمرکز بر متغیرهای خانوادگی، رابطه آن‌ها با گرایش به رفتارهای مجرمانه تحلیل و پیوندهای معنادار میان شرایط خانوادگی و بروز جرم شناسایی شد.

### ۳-۱. تحلیل روابط بین متغیرها بر اساس سوالات جمعیت‌شناختی

این بخش، تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تأهل، تعداد فرزندان) را بر گرایش به جرم در زنان زندانی بررسی می‌کند. تحلیل‌های آماری با آشکار ساختن الگوهای معنادار، به درک نقش این عوامل در بزهکاری کمک کرده و مبنایی برای اقدامات پیشگیرانه فراهم می‌سازد. در ادامه، برای بررسی ارتباط این ویژگی‌ها با میزان و نوع بزهکاری، ابتدا شاخص‌های توصیفی در جدول ۲ و سپس نتایج آزمون‌های آماری در جدول ۳ ارائه می‌شود.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی گرایش به جرم و نوع جرم بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	میزان			
دسته‌بندی	۲۵-۱۸	۲۵-۳۱	۳۵-۳۱	۳۵-۱۸
n	۲۰	۲۵	۱۵	۱۰
%	۲۸.۶	۳۵.۷	۲۱.۴	۱۴.۳
میانگین گرایش به جرم	۶.۵	۷.۸	۳.۵	۹.۰
انحراف معیار گرایش	۱.۴	۱.۵	۱.۲	۱.۱
جرم مال	۷	۵	۳	۳
جرم جنسی	۷	۱۰	۵	۳
جرم مواد مخدر	۵	۱۰	۶	۴
میانگین وقوع جرم	-	-	-	-
انحراف معیار وقوع جرم	-	-	-	-
میانگین فشارهای مال	-	-	-	-
انحراف معیار فشارهای مال	-	-	-	-
دسته سه : قاهر بالا	-	-	-	-
دسته سه : قاهر متوسط	-	-	-	-
دسته سه : قاهر ناسب	-	-	-	-
حمایت بالا، ندر	-	-	-	-
حمایت متوسط ندر	-	-	-	-
حمایت ناسب ندر	-	-	-	-
تعداد فرزندان و حمایت بالا، والدین	-	-	-	-
تعداد فرزندان و حمایت متوسط	-	-	-	-
تعداد فرزندان و حمایت ناسب	-	-	-	-

دانشگاه	سطح تحصیلات				تعداد زندانیان				اهمیت یافته ها	
	دستور	مقطع متوسطه	ابتدائیه	دانش	۳-۴	۱-۲	۶	۷	تعداد	درصد
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۵	۶	۵	۶	۶	۶	۶	۶	۷	۷	۸۷
۳	۵	۷	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۷
۲	۳	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۱۰	۱۱	۱۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۲	۱۱	۱۳
۰۶	۳۰	۵۶	۷۷	۲۰	۷۶	۵۷	۱۷	۱۷	۱۷	۲۰
۳۳۱	۳۱۸	۶۷۸	۸۵۳	۳۳۱	۸۵۳	۶۷۸	۳۳۱	۶۷۸	۳۳۰	۸۵۳
۱۰	۵۱	۲۰	۵۲	۱۰	۵۲	۲۰	۱۰	۲۰	۷۳	۸۳
دانشگاه	دستور	مقطع متوسطه	ابتدائیه	دانش	۳-۴	۱-۲	۶	۷	تعداد	درصد
نتیجه										



متغیر	مطابق زندگی			مطابق پدر				مطابق مادر	
	روستا	شهر	حومه	شعبه اداری	شعبه آزاد	شعبه	شعبه فنی	شعبه اداری	شعبه آزاد
دسته بندی	۲۰	۳۰	۲۰	۱۵	۲۰	۲۰	۱۵	۱۵	۲۰
n	۲۸۶	۴۲۹	۲۸۶	۲۱۴	۲۸۶	۲۸۶	۲۱۴	۲۱۴	۲۸۶
%	۵۰	۷۳	۶۱	-	-	-	-	-	-
ماناگی: گ. ایش. به ج.م	-	-	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار گ. ایش.	۱.۲	۱.۴	۱.۳	-	-	-	-	-	-
جرم مال	۲	۷	۵	-	-	-	-	-	-
جرم خشونت آمو	۶	۷	۵	-	-	-	-	-	-
جرم مواد مخدر	۱۲	۱۶	۱۰	-	-	-	-	-	-
ماناگی: و. ق. ج.م	-	-	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار و. ق. ج.م	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ماناگی: ف. ش. ه. مال	-	-	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار ف. ش. ه. مال	-	-	-	-	-	-	-	-	-
دسته س. ز. ق. مال	۰	۵	۱۰	-	-	-	-	-	-
دسته س. ز. ق. س. متوسط	۱۰	۱۰	۱۰	-	-	-	-	-	-
دسته س. ز. ق. س. س. متوسط	۱۰	۰	۱۵	-	-	-	-	-	-
جرم مال	-	-	-	۶	۸	۵	۷	-	-
جرم متوسط پدر	-	-	-	۵	۷	۸	۵	-	-
جرم س. ا. س. پدر	-	-	-	۲	۵	۷	۳	-	-
تعداد فرزندان و حمایت والدین	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تعداد فرزندان و حمایت متوسط	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تعداد فرزندان و حمایت س. ا. س. والدین	-	-	-	-	-	-	-	-	-



حوزه تحصیلات، زنان دانشگاهی بالاترین گرایش (۹.۰) و دارندگان دیپلم کمترین (۵.۳) را نشان می‌دهند که حاکی از پیچیدگی عوامل زمینه‌ای است.

از بعد محیطی - اقتصادی، گرایش به جرم در شهر (۷.۲) بیشتر از روستا (۵.۰) است. خانواده‌های کم‌درآمد بالاترین نرخ جرم (۷.۲) و فشار مالی (۸.۵) را گزارش کردند، درحالی‌که خانواده‌های پردرآمد کمترین مقادیر را (به ترتیب ۵.۰ و ۱.۰) داشتند.

نکته برجسته خانوادگی، گرایش پایین به جرم در زنان با بیش از چهار فرزند (۲.۰) است که نیازمند تحلیل بیشتر می‌باشد. این مشاهدات اولیه از عوامل خطر و محافظتی، در جدول ۳ برای تعیین معناداری آماری تحلیل خواهند شد.

جدول ۳- نتایج آزمون‌های استنباطی برای بررسی ارتباط متغیرهای جمعیت‌شناختی با بزهکاری

متغیر	آزمون	مقدار آزمون	df / بررسی مدل	p	اندازه اثر
گروه‌سنی VS گرایش جرم	ANOVA	F=5.23	(3,66)	0.002	$\eta^2 \approx 0.19$
گروه‌سنی VS نوع جرم	$\chi^2$	$\chi^2=17.2$	6	< 0.001	$V \approx 0.35$
وضعیت تأهل VS گرایش جرم	t-test	t=4.50	68	< 0.001	$d \approx 1.09$
تأهل VS نوع جرم	$\chi^2$	$\chi^2 = 11.2$	2	0.003	$V \approx 0.40$
تعداد فرزندان VS گرایش جرم	ANOVA	F=9.67	(3, 66)	< 0.001	$\eta^2 \approx 0.31$
تعداد فرزندان VS نوع جرم	$\chi^2$	$\chi^2=14.3$	6	0.002	$V \approx 0.32$
تحصیلات VS گرایش جرم	ANOVA	F=5.89	(3, 66)	0.001	$\eta^2 \approx 0.21$
تحصیلات VS نوع جرم	$\chi^2$	$\chi^2=15.67$	6	0.001	$V \approx 0.33$
محل زندگی VS گرایش جرم	ANOVA	F=8.9	(2, 67)	< 0.001	$\eta^2 \approx 0.21$
محل زندگی VS نوع جرم	$\chi^2$	$\chi^2=16.78$	4	< 0.001	$V \approx 0.35$
شغل پدر VS حمایت والدین	$\chi^2$	$\chi^2=28.4$	6	< 0.001	$V \approx 0.45$

متغیر	آزمون	مقدار آزمون	df / بررسی مدل	p	اندازه اثر
شغل مادر VS حمایت والدین	$\chi^2$	$\chi^2=24.7$	6	< 0.001	$V \approx 0.42$
درآمد VS وقوع جرم	رگرسیون خطی	$\beta = -0.50$ , $R^2 = 0.25$	-	0.002	$f^2 \approx 0.33$
درآمد VS فشارهای مالی	همبستگی پیرسون	$r = -0.65$	68	< 0.001	r
تعداد فرزندان VS حمایت والدین	$\chi^2$	$\chi^2 = 11.98$	4	0.002	$V \approx 0.29$

طبق جداول ۲ و ۳، روابط بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی/خانوادگی و «میزان» و «نوع» بزهکاری با آزمون‌های ANOVA،  $\chi^2$ ، t مستقل، ضرایب اثر ( $d, V, \eta^2$ )، رگرسیون و همبستگی پیرسون تحلیل شد. میانگین گرایش به جرم در گروه بالای ۴۵ سال بیشترین (۹/۰) و در گروه ۳۶-۴۵ سال کمترین (۵/۴) بود؛ این تفاوت معنادار است (ANOVA:  $F=5.23$ ;  $p=0.002$ ;  $\eta^2 \approx 0.19$ ). توزیع نوع جرم نیز بین گروه‌های سنی تفاوت داشت ( $\chi^2=17.2$ ;  $p<0.001$ ;  $V \approx 0.35$ ): جرایم مالی در ۱۸-۲۵ سال، جرایم خشونت‌آمیز و مواد مخدر در ۲۶-۳۵ سال و جرایم مواد مخدر در سنین بالاتر فراوانی بیشتری داشتند.

بیش از نیمی (۵۴/۳٪) از زنان مجرد بودند. میانگین گرایش به جرم در مجردان ۷/۱ ( $SD=1/4$ ) و در متأهلان ۵/۲ ( $SD=1/3$ ) بود؛ این اختلاف با اندازه اثر بزرگ، معنادار است ( $t=4.50$ ;  $p<0.001$ ;  $d \approx 1.09$ ). الگوی نوع جرم نیز بر حسب تأهل تفاوت داشت ( $\chi^2=11.2$ ;  $p=0.003$ ;  $V \approx 0.40$ ): متأهلان بیشتر در جرایم مواد مخدر و مجردان در جرایم خشونت‌آمیز درگیر بودند.

تعداد فرزندان با گرایش به جرم رابطه معناداری داشت؛ زنان بدون فرزند یا با ۱-۲ فرزند میانگین‌های بالاتری داشتند (به ترتیب ۷/۵ و ۶/۸)، در حالی که زنان با بیش از چهار فرزند کمترین میانگین را (۲/۰) نشان دادند. این تفاوت‌ها معنادار بود (ANOVA:  $F=9.67$ ;  $p<0.001$ ;  $\eta^2 \approx 0.31$ ). نوع جرم نیز بین گروه‌ها تفاوت داشت ( $\chi^2=14.3$ ;  $p=0.002$ ;  $V \approx 0.32$ ).

سطح تحصیلات با میزان و نوع بزهکاری ارتباط معناداری داشت (ANOVA:  $F=5.89$ ;  $p=0.001$ ;  $\eta^2 \approx 0.21$ ). برخلاف انتظار، دارندگان تحصیلات دانشگاهی بالاترین میانگین گرایش به جرم (۹/۰) و دارندگان دیپلم کمترین میانگین (۵/۳) را داشتند. آزمون  $\chi^2$  نیز ارتباط معنادار تحصیلات و نوع جرم را تأیید کرد ( $\chi^2=15.67$ ;  $p=0.001$ ;  $V \approx 0.33$ )، به طوری که

گروه دانشجویی سهم بالاتری در جرایم مرتبط با مواد مخدر داشتند. این الگوی غیرمنتظره نیازمند تحلیل‌های عمیق‌تر است.

میانگین گرایش به جرم در شهرنشینان ۷۲٪، حومه‌نشینان ۶۱٪ و روستانشینان ۵۰٪ بود (ANOVA:  $F=8.9$ ;  $p<0.001$ ;  $\eta^2\approx 0.21$ ). توزیع نوع جرم بر حسب محل زندگی نیز معنادار بود ( $\chi^2=16.78$ ;  $p<0.001$ ;  $V\approx 0.35$ )، هرچند در همه سطوح، جرایم مواد مخدر غالب بود.

شغل پدر و مادر با سطح حمایت والدین همبستگی معنادار داشت (پدر:  $\chi^2=28.4$ ;  $p<0.001$ ;  $V\approx 0.45$ ; مادر:  $\chi^2=24.7$ ;  $p<0.001$ ;  $V\approx 0.42$ ) که نشانگر اثر قوی ساختار شغلی بر حمایت خانوادگی است. درآمد خانواده متغیر مؤثری بود؛ درآمد پایین با افزایش وقوع جرم مرتبط بود ( $\beta=-0.50$ ;  $R^2=0.25$ ;  $p=0.002$ ). همچنین، رابطه معکوس و قوی بین درآمد و فشار مالی مشاهده شد ( $r=-0.65$ ;  $p<0.001$ ). تعداد فرزندان نیز با میزان حمایت والدین ارتباط داشت ( $\chi^2=11.98$ ;  $p=0.002$ ;  $V\approx 0.29$ ) و خانواده‌های کم‌جمعیت‌تر حمایت مؤثرتری فراهم می‌کردند.

در مجموع، متغیرهای جمعیت‌شناختی و خانوادگی مانند سن، تأهل، تعداد فرزندان، تحصیلات، محل زندگی، شغل والدین و درآمد، تأثیر معناداری بر میزان و نوع بزهکاری زنان زندانی دارند.

## ۲-۳. تحلیل روابط بین متغیرها براساس سوالات مربوط به عوامل خانوادگی

این بخش، روابط متغیرهای خانوادگی (کیفیت روابط، خشونت، حمایت والدین، سابقه مجرمانه و محرومیت اقتصادی) را با ابعاد بزهکاری زنان (گرایش، نوع، شدت) تحلیل آماری می‌کند. نتایج که مؤید فرضیات پژوهش هستند، مبنای راهکارهای پیشگیرانه خانواده‌محور قرار می‌گیرند.

تحلیل در دو گام اجرا می‌شود: ابتدا (جدول ۴)، آمار توصیفی متغیرهای خانوادگی ارائه شده و سپس (جدول ۵)، همبستگی این عوامل با گرایش به بزهکاری برای تعیین روابط اولیه و جهت اثر، بررسی می‌گردد. این دو گام، زمینه را برای تحلیل‌های چندمتغیره بعدی فراهم می‌کنند.

جدول ۴- توزیع فراوانی و شاخص‌های آماری کلیه متغیرهای خانوادگی

متغیر	شاخص‌های آماری				توزیع فراوانی				متغیر
	حاصل	تکرار	نسبت	نسبت درصد	حاصل	تکرار	نسبت	نسبت درصد	
نوع جنسیت (پسر/دختر)	-	-	-	-	-	-	-	-	نسبت جنسیت
تعداد والدین (یک نفر/دو نفر/سه نفر)	-	-	-	-	-	-	-	-	تعداد والدین
نسبت سرپرست خانوار (مادر/پدر/دیگر)	۰.۲۱	۵۰۱	۰.۷۰	-	-	-	-	-	نسبت سرپرست خانوار
نسبت سرپرست به نسبت دیگران	۰.۰۵	۱۲۳	۲.۰۱	-	-	-	-	-	نسبت سرپرست به نسبت دیگران
دوره ازدواج (تازه ازدواج/قدیم)	-	-	-	۵	۲	۱	-	-	دوره ازدواج
۰.۷۰	-	-	-	-	-	-	-	-	نسبت تازه ازدواج
۱.۸۰	-	-	-	-	-	-	-	-	نسبت قدیم ازدواج
-	-	-	-	-	-	-	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم
-	۵۹۰	۵۰۱	۵۷.۰	-	-	-	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت)
-	۰.۱۵	۰.۱۶	۲.۲۰	-	-	-	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
-	۰.۱	۷	۵	۵۱	۰.۱	۱	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
-	۵۱	۷	۳	۵	۰.۱	۱	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
-	۰.۱	۶	۵	۰.۱	۰.۱	۳	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
۰.۷۰	۰.۱۱	۵۰۱	۰.۷۰	۵۱	۵۰.۱	۵۷.۰	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
۰.۷۱	۰.۰۵	۰.۱۲	۰.۰۱	۰.۳۳	۰.۰۳	۰.۶۱	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
۸۵.۸	۸۵.۸	۸۵.۸	۱۰۰.۰	۸۵.۸	۸۵.۸	۱۰۰.۰	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
۲۵	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	-	-	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
بالا	تجزیه بالا	تجزیه به نسبت	تجزیه به نسبت	سابقه بالا	سابقه به نسبت	سابقه به نسبت	بدون تجربه به نسبت	بدون تجربه بالا	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)
حاصل	حاصل	حاصل	حاصل	حاصل	حاصل	حاصل	حاصل	حاصل	نسبت تازه ازدواج به نسبت قدیم (نسبت درصد)



متغیر	مصرف والدین (مواد/الکل)					نیاز به حمایت اجتماعی			مشکلات خانوادگی			حمایت
	متوسط	ضعیف	بدون مصرف	مصرف کم	مصرف بالا	پایین	متوسط	بالا	کم	متوسط	زیاد	
دسته بندی II	۳۰	۱۵	۲۵	۲۵	۲۰	۲۰	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
%	۶۲.۶	۳۱.۴	۳۵.۷	۳۵.۷	۲۸.۶	۲۵.۷	۳۵.۷	۲۸.۶	۳۵.۷	۳۵.۷	۳۵.۷	۳۵.۷
میانگین گرایش به جرم	۳۲.۲	۵.۶	۱.۹	۳.۴	۵.۲	-	-	۲.۱	۳.۵	۵.۰	۲.۰	۲.۰
انحراف معیار گرایش	۱.۱	۱.۳	۰.۷	۱.۱	۱.۳	-	-	۰.۸	۱.۰	۱.۱	۱.۱	۰.۷
جرایم مالی،	-	-	-	-	-	۵	۶	۱۰	-	-	-	-
جرایم خشونت آمیز	-	-	-	-	-	۴	۸	۱۵	-	-	-	-
جرایم مواد مخدر	-	-	-	-	-	۵	۷	۱۰	-	-	-	-
میانگین نیاز به حمایت اجتماعی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار نیاز	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
میانگین کیفیت روابط خانوادگی	-	-	۴.۳	۳.۱	۲.۰	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار روابط	-	-	۰.۸	۱.۰	۱.۱	-	-	-	-	-	-	-
میانگین حمایت والدین	۳.۲	۴.۹	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار حمایت	۱.۱	۱.۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
میانگین سابقه مجرمانه خانواده	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
میانگین تجربه خشونت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار خشونت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
میانگین رفتار مجرمانه والدین	-	-	۱.۹	۳.۴	۵.۲	-	-	-	-	-	-	-
انحراف معیار رفتار مجرمانه	-	-	۰.۷	۱.۱	۱.۳	-	-	-	-	-	-	-

عوامل خانوادگی مؤثر بر میزان و نوع بزهکاری زنان زندانی در کرمانشاه/ نویسنده گان: علی صفاری، راضیه صابری، روزین چراغیان



متغیر	رفتارهای مجرم‌مانه زیاد
دسته‌بندی II	۲۰
%	۷۸.۶
میانگین گرایش به جرم	۵.۵۰
انحراف معیار گرایش	۱.۳۵
جرایم مالی	۱۲
جرایم خشونت‌آمیز	۸
جرایم مواد مخدر	۹
میانگین نیاز به حمایت اجتماعی	-
انحراف معیار نیاز	-
میانگین کیفیت روابط خانوادگی	-
انحراف معیار روابط	-
میانگین حمایت والدین	-
انحراف معیار حمایت	-
میانگین سابقه مجرم‌مانه خانواده	-
میانگین تجربه خشونت	-
انحراف معیار خشونت	-
میانگین رفتار مجرم‌مانه والدین	-
انحراف معیار رفتار مجرم‌مانه	-

داده‌های توصیفی (جدول ۴) نقش محوری متغیرهای خانوادگی را نشان می‌دهد. با تضعیف کیفیت روابط خانوادگی از «خوب» به «ضعیف»، میانگین گرایش به جرم از ۱/۷۵ به ۴/۷۰ و با کاهش حمایت والدین از «بالا» به «ضعیف»، از ۱/۸۰ به ۴/۹۰ افزایش می‌یابد. این امر پیوند فرسایش سرمایه عاطفی خانواده با بزهکاری را نشان می‌دهد.

عوامل خطر این روند را تشدید می‌کنند: تجربه خشونت خانگی میانگین گرایش را از ۲/۰۰ به ۵/۰۰ می‌رساند و بالاترین میانگین‌ها مربوط به سابقه جرم والدین (۵/۵۰) و مصرف مواد (۵/۲۰) بود. از منظر نوع جرم، روابط ضعیف با جرایم مالی (۲۰ مورد) و خشونت خانگی با جرایم خشونت‌آمیز (۱۵ مورد) ارتباط داشت.

این الگوهای توصیفی بر نقش دوگانه خانواده (حمایت یا عامل خطر) تأکید دارند و در جدول ۵ با آزمون‌های استنباطی برای تعیین معناداری روابط بررسی خواهند شد.

جدول ۵- نتایج آزمون‌های استنباطی برای بررسی ارتباط متغیرهای خانوادگی با بزهکاری

متغیر خانوادگی	آزمون	مقدار آزمون	P	اندازه اثر
کیفیت روابط خانوادگی	رگرسیون خطی	$\beta = -0.32;$ $R^2 = 0.18$	0.012	$f^2 \approx 0.22$ (متوسط)
	ANOVA (نوع جرم)	$F = 4.10$	0.015	$\eta^2 \approx 0.10$ (کوچک-متوسط)
سابقه مجرم‌مانه خانواده	همبستگی پیرسون	$r = 0.40$	0.005	—
خانواده	رگرسیون خطی	$\beta = +0.40;$ $R^2 = 0.16$	0.009	$f^2 \approx 0.19$ (متوسط)
	ANOVA	$F = 4.85$	0.010	$\eta^2 \approx 0.12$

متغیر خانوادگی	آزمون	مقدار آزمون	P	اندازه اثر
	(نوع جرم)			(متوسط)
تجربه خشونت خانوادگی	رگرسیون خطی	$\beta = +0.37$ ; $R^2 = 0.14$	0.008	$f^2 \approx 0.16$ (متوسط)
	ANOVA (نوع جرم)	$F = 5.30$	0.006	$\eta^2 \approx 0.14$ (متوسط)
	همبستگی پیرسون	$r = 0.37$	0.012	—
حمایت والدین	رگرسیون خطی	$\beta = -0.36$ ; $R^2 = 0.22$	0.007	$f^2 \approx 0.28$ (متوسط)
	همبستگی پیرسون	$r = +0.40$	0.018	—
مصرف مواد/الکل والدین	رگرسیون خطی	$\beta = +0.40$ ; $R^2 = 0.16$	0.011	$f^2 \approx 0.19$ (متوسط)
	ANOVA (نوع جرم)	$F = 4.25$	0.014	$\eta^2 \approx 0.11$ کوچک- (متوسط)
نیاز به حمایت اجتماعی	همبستگی پیرسون	$r = 0.42$	0.006	—
	رگرسیون خطی	$\beta = +0.42$ ; $R^2 = 0.18$	0.005	$f^2 \approx 0.22$ متوسط- (بزرگ)
مشکلات خانوادگی	رگرسیون خطی	$\beta = +0.46$ ; $R^2 = 0.24$	0.004	$f^2 \approx 0.32$ (متوسط-بزرگ)
	رگرسیون خطی	$\beta = +0.48$ ; $R^2 = 0.26$	0.003	$f^2 \approx 0.35$ (متوسط-بزرگ)
مشکلات اقتصادی دوران کودکی	رگرسیون خطی	$\beta = +0.48$ ; $R^2 = 0.26$	0.003	$f^2 \approx 0.35$ (متوسط-بزرگ)
	ANOVA (نوع جرم)	$F = 5.60$	0.005	$\eta^2 \approx 0.13$ (متوسط)
رفتار مجرمانه والدین				
یا سرپرستان				

طبق جدول ۵، متغیرهای خانوادگی تأثیر معناداری بر گرایش به جرم دارند. به تنهایی، «رفتار مجرمانه والدین» ( $R^2=0.26$ ,  $\beta=+0.48$ ) و «مشکلات اقتصادی کودکی» ( $R^2=0.24$ ,  $\beta=+0.46$ ) بخش قابل توجهی از واریانس را تبیین می‌کنند. اندازه اثرهای متوسط تا بزرگ ( $f^2$  و  $\eta^2$  بین ۰.۱۶ تا ۰.۳۵) نیز اهمیت عملی این روابط را تأیید می‌کند. کیفیت روابط خانوادگی نقش بازدارنده دارد ( $R^2=0.18$ ,  $\beta=-0.32$ )؛ میانگین گرایش با روابط «خوب» ( $SD=0.185$ ) و با روابط «ضعیف» ( $SD=0.125$ ) بود. ANOVA نیز ارتباط روابط ضعیف با جرایم مالی (۲۰ مورد) را معنادار یافت ( $F=4.10$ ).

سابقه مجرمانه خانواده با گرایش به جرم رابطه مثبت داشت ( $R^2=0.16, r=0.40$ )، میانگین گرایش در خانواده‌های با سابقه بالا  $4/40$  و بدون سابقه  $1/90$  بود. ANOVA نشان داد در این خانواده‌ها، گرایش به جرایم مواد مخدر بیشتر است (۱۵ مورد،  $F=5.60$ ).

خشونت خانوادگی ۱۴٪ از واریانس را تبیین کرد ( $R^2=0.14, \beta=+0.37$ )؛ میانگین گرایش با افزایش شدت خشونت از  $2/00$  به  $5/00$  می‌رسید. در گروه با خشونت بالا، فراوانی جرایم خشونت‌آمیز (۱۵ مورد) معنادار بود ( $F=5.30$ ).

حمایت والدین نقش بازدارنده قوی داشت و ۲۲٪ واریانس را توضیح داد ( $R^2=0.22, \beta=-0.36$ )؛ میانگین گرایش با حمایت قوی  $1/80$  و با حمایت ضعیف  $4/90$  بود.

مصرف مواد والدین نیز تأثیر مثبت داشت ( $R^2=0.16, r=+0.40, \beta=+0.40$ )؛ میانگین گرایش در فرزندان والدین مصرف‌کننده  $5/20$  در مقابل  $1/90$  برای غیرمصرف‌کننده بود. مشکلات خانوادگی و اقتصادی دوران رشد نیز همبستگی بالایی نشان دادند (به ترتیب  $R^2=0.24$  و  $R^2=0.18$ ).

با وجود هم‌پوشانی واریانس‌ها، مدل رگرسیون چندمتغیره اثر ترکیبی و بسیار بالاتر این عوامل را نشان داد ( $\text{Multivariate } R^2 = 0.72$ ). این یافته بر اولویت و کارآمدی مداخلات یکپارچه و خانواده‌محور برای پیشگیری از بزهکاری زنان تأکید می‌کند.

جدول ۶- نتایج رگرسیون خطی چندمتغیره برای پیش‌بینی گرایش به جرم

متغیر مستقل	ضریب استاندارد شده (Beta)	سطح معناداری (p)	میزان اهمیت نسبی
کیفیت روابط خانوادگی	-0.18	0.010	متوسط
سابقه مجرمانه خانواده	+0.22	0.004	متوسط
تجربه خشونت خانوادگی	+0.28	0.001	قوی
حمایت والدین	-0.20	0.007	متوسط
مصرف مواد/الکل والدین	+0.25	0.002	قوی
مشکلات خانوادگی	+0.30	0.001	خیلی قوی
مشکلات اقتصادی دوران کودکی	+0.27	0.001	قوی
رفتار مجرمانه والدین	+0.35	0.000	خیلی قوی
$R^2$ کل مدل:	0.72		

نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد، متغیرهای خانوادگی در مجموع ۷۲٪ از واریانس گرایش به جرم را تبیین می‌کنند ( $R^2 = 0.72$ )، که قدرت پیش‌بینی بالای مدل را تأیید می‌کند. در میان عوامل خطر، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها به ترتیب رفتار مجرمانه والدین ( $\beta = +0.35$ )، مشکلات خانوادگی ( $\beta = +0.30$ )، خشونت خانوادگی ( $\beta = +0.28$ ) و مشکلات اقتصادی کودکی ( $\beta = +0.27$ ) بودند.

همزمان، متغیرهای محافظتی شامل حمایت والدین ( $\beta = -0.20$ ) و کیفیت روابط خانوادگی ( $\beta = -0.18$ ) به طور معناداری گرایش به جرم را کاهش دادند. این یافته‌ها تأثیر دوگانه و قدرتمند خانواده در شکل‌دهی به رفتار مجرمانه را نشان می‌دهد.

جدول ۷- نتایج مدل لجستیک چندگانه برای پیش‌بینی احتمال ارتکاب جرم

متغیر مستقل	ضریب لجستیک (B)	ضریب شانس (OR)	95% CI	سطح معناداری (p)
کیفیت روابط خانوادگی	-0.95	0.38	[0.18, 0.80]	0.015
سابقه مجرمانه خانواده	+1.10	3.00	[1.38, 6.52]	0.005
تجربه خشونت خانوادگی	+1.35	3.85	[1.85, 8.02]	0.001
حمایت والدین	-1.05	0.35	[0.16, 0.75]	0.008
مصرف مواد/الکل والدین	+1.25	3.50	[1.52, 8.07]	0.003
مشکلات خانوادگی	+1.50	4.48	[2.10, 9.55]	0.001
مشکلات اقتصادی دوران کودکی	+1.30	3.67	[1.72, 7.84]	0.001
رفتار مجرمانه والدین	+1.70	5.47	[2.51, 11.90]	<0.001

نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد متغیرهای خانوادگی در مجموع ۷۲٪ از واریانس گرایش به جرم را تبیین می‌کنند ( $R^2 = 0.72$ ) که قدرت پیش‌بینی بالای مدل را تأیید می‌کند. در میان عوامل خطر، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها به ترتیب رفتار مجرمانه والدین ( $\beta = +0.35$ )، مشکلات خانوادگی ( $\beta = +0.30$ )، خشونت خانوادگی ( $\beta = +0.28$ ) و مشکلات اقتصادی کودکی ( $\beta = +0.27$ ) بودند.

همزمان، متغیرهای محافظتی شامل حمایت والدین ( $\beta = -0.20$ ) و کیفیت روابط خانوادگی ( $\beta = -0.18$ ) به‌طور معناداری گرایش به جرم را کاهش دادند. این یافته‌ها تأثیر دوگانه و قدرتمند خانواده در شکل‌دهی به رفتار مجرمانه را نشان می‌دهد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل رابطه سن با گرایش به بزهکاری زنان زندانی، الگوی غیرخطی معناداری به‌دست آمد ( $F = 5.23, p = .002, \eta^2 \approx 0.19$ )؛ گرایش به جرم تا میانه بزرگسالی افزایش یافته و سپس کاهش می‌یابد. این نتیجه برخلاف پژوهش‌های پیشین (اسماعیلی، ۱۳۹۵؛ پولادی و همکاران، ۱۳۷۸) است و نخستین بار در جمعیت زنان مشاهده شد، بخشی از خلأ مطالعات داخلی را پر می‌کند. به نظر می‌رسد الگو بازتاب شرایط اجتماعی-فرهنگی خاص کرمانشاه باشد؛ در سنین ۳۰ تا ۴۰ سالگی نقش مادری و نظارت خویشاوندی گرایش به جرم را کاهش می‌دهد، اما در سنین بالاتر فشارهای اقتصادی و کاهش حمایت معیشتی احتمال بازگشت به بزهکاری را می‌افزاید. نوع جرم نیز با سن تفاوت معناداری دارد ( $\chi^2 = 17.2, p < .001$ )؛ در جوانی (۱۸-۲۵ سال) جرایم مالی غالب‌اند و نشان‌دهنده فشار برای استقلال اقتصادی‌اند؛ در میانسالی (۲۶-۳۵ سال) جرایم خشونت‌آمیز و مواد مخدر افزایش می‌یابد؛ و در سنین بالاتر (۳۶ سال به بعد) جرایم مواد مخدر الگوی غالب می‌شوند و احتمالاً بیانگر تثبیت مسیر بزهکارانه یا راهکار معیشتی در نبود فرصت‌های مشروع‌اند.

یافته‌ها نشان دادند سطح تحصیلات با گرایش به بزهکاری رابطه معناداری دارد ( $F = 5.89, p = .001, \eta^2 \approx 0.21$ ). برخلاف انتظار، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی بیشترین گرایش به جرم (۹.۰) و دیپلمه‌ها کمترین (۵.۳) را داشتند. همچنین آزمون  $\chi^2$  ارتباط معناداری میان تحصیلات و نوع جرم نشان داد ( $V \approx 0.33, p = .001, \chi^2 = 15.67$ )؛ در گروه دانشگاهی جرایم مواد مخدر بیش از جرایم مالی بودند. این الگوی غیرمنتظره با نظریه فشار ساختاری مرتون و الگوی «واپس‌نشینی» همخوان است؛ ناکامی در تحقق انتظارات شغلی و منزلتی در بافت اقتصادی-اجتماعی کرمانشاه به سرخوردگی و گرایش به اعتیاد برای گریز از ناکامی منجر می‌شود. این تبیین با رابطه منفی میان درآمد و گرایش به جرم ( $\beta = -0.50, p = .002$ ) همخوان است و نقش فشار اقتصادی را تقویت می‌کند. نظریه یادگیری اجتماعی نیز نشان می‌دهد در شرایط انسداد مسیرهای مشروع، الگوهای رفتاری خانوادگی و محیطی در زمینه مواد مخدر فعال می‌شوند. با وجود حجم نمونه محدود دانشگاهی ( $n = 10$ )، احتمال وجود موارد پرت مطرح است. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد رابطه تحصیلات و بزهکاری ساده و خطی نیست، بلکه به شرایط اجتماعی-اقتصادی پس از تحصیل وابسته است.

وضعیت تأهل عاملی بازدارنده در گرایش به بزهکاری است؛ زنان متأهل نسبت به مجردها تمایل کمتری به ارتکاب جرم دارند. این نتیجه با صفدری (۱۳۸۹) همسوست، اما برخلاف برخی پژوهش‌ها (همتی؛ حسینی و صالحی؛ پولادی و همکاران؛ حاتمی‌مقدم؛ بولز) که رابطه ازدواج و بزهکاری را رد کرده‌اند. در بستر فرهنگی کرمانشاه، ساختارهای قبیله‌ای، حمایت خویشاوندان و مقبولیت ازدواج نقشی کلیدی در کاهش انزوا و افزایش فرصت‌های اقتصادی غیررسمی دارند و از این طریق انگیزه ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند. الگو با نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و کنترل‌نای همخوان است؛ ازدواج با تقویت دلبستگی، تعهد و نظارت غیرمستقیم پیوند فرد با هنجارهای اجتماعی را مستحکم و از جرم بازمی‌دارد.

ساکنان مناطق شهری کرمانشاه گرایش بیشتری به بزهکاری دارند و این تفاوت نسبت به روستا و حومه معنادار است. در روستاها پیوندهای قبیله‌ای شبکه‌ای از حمایت و نظارت غیررسمی ایجاد می‌کند که مانع بزهکاری می‌شود؛ در مقابل، زندگی شهری با پراکندگی جمعیتی، فشار اقتصادی و انزوای فردی همراه است که سازوکارهای حمایتی را تضعیف می‌کند. این الگو با نظریه آشفتگی اجتماعی شاو و مک‌کی و نظریه آنومی مرتون همخوان است. ترکیب فشار ساختاری و ضعف کنترل اجتماعی تبیین‌کننده گرایش بالاتر به جرم در شهرهاست. این یافته نسبت به پژوهش اسماعیلی (۱۳۹۵) فراتر رفته و نقش مقایسه‌ای فضاهای شهری و روستایی را برجسته ساخته است.

ساختار خانواده، شغل و درآمد والدین به‌طور غیرمستقیم حمایت مالی و عاطفی از فرزندان را تقویت می‌کنند. والدین با مشاغل پایدار، به‌ویژه اداری و آموزشی، فشار اقتصادی را کاهش و سرمایه اجتماعی خانوادگی را تقویت می‌کنند و در نتیجه گرایش به جرم کاهش می‌یابد. این یافته با پژوهش‌های شیردل و محمدی (۱۳۹۹)، همتی (۱۳۹۶)، مزارول اسلام (۲۰۲۱) و زمان‌زاده و شادمان‌فر (۱۳۹۸) همخوان است و نقش نوع شغل والدین در کیفیت حمایت خانوادگی را نشان می‌دهد. افزایش تعداد فرزندان حمایت والدین را تضعیف، فشار اقتصادی را افزایش و احتمال گرایش به بزهکاری را بالا می‌برد. حمایت والدین همچون ابزار مشروع تحقق اهداف فرهنگی عمل کرده و مانع انطباق‌های انحرافی می‌شود. نظریه‌های کنترل اجتماعی هیرشی و نای تأکید می‌کنند حمایت پایدار پیوندهای اجتماعی را تقویت و انگیزه‌های بزهکارانه را کاهش می‌دهد، در حالی که افزایش تعداد فرزندان این پیوندها را تضعیف می‌کند و بستر بزهکاری را گسترده‌تر می‌سازد.

محیط خانواده- نخستین بستر آموزش هنجارها- با ایجاد تکیه‌گاه روانی و اجتماعی یا الگوهای ناکارآمد، هم گرایش به جرم و هم نوع آن را جهت‌دهی می‌کند. داده‌ها نشان می‌دهند کیفیت روابط خانوادگی مهم‌ترین عامل بازدارنده است (رابطه‌ای منفی و خطی با بزهکاری)؛

هرچه صمیمیت و اعتماد در خانواده بیشتر، انگیزه جرم کمتر می‌شود. خانواده‌های چندنسلی کرمانشاه با پیوندهای قبیله‌ای مستحکم، تعامل نزدیک و نظارت متقابل فشارهای اقتصادی و روانی را کاهش داده و انگیزه بزهکاری را مهار می‌کنند. جمعیت زنان زندانی در زمان گردآوری داده‌ها تنها ۷۰ نفر بود. این نتیجه با پژوهش‌های شیردل و محمدی (۱۳۹۹)، همتی (۱۳۹۶)، حسینی و صالحی (۱۳۹۲)، حاتمی‌مقدم و احمدنیا (۱۳۸۶)، تقوی و کاظمی‌فر (۱۳۸۹) و بولز و همکاران (۲۰۱۲) همخوان است و با نظریه پیوند اجتماعی هیرشی مطابقت دارد؛ زیرا دل‌بستگی خانوادگی هزینه روانی جرم را بالا می‌برد. نظریه کنترل‌نای نیز تأثیر روابط حمایتی در کاهش فشار و در نتیجه کاهش تمایل به بزهکاری را تأیید می‌کند. در مقابل، روابط ضعیف گرایش به جرم و جرایم مالی را افزایش می‌دهد، زیرا نبود حمایت و فشار اقتصادی جرایم مالی را قابل توجه می‌سازد. تحلیل با نظریه آنومی مرتون و دیدگاه گود سازگار است؛ ناکارآمدی خانواده افراد را به ابزارهای غیرمشروع سوق می‌دهد. نظریه فضای عاطفی لاونولت نیز معتقد است محیط خانوادگی ناپایدار سازگاری اجتماعی را کاهش و رفتار انحرافی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین نقش خانواده به کیفیت پیوندهای عاطفی و کارکرد حمایتی آن وابسته است.

حمایت مادی و عاطفی والدین رابطه منفی و بازدارنده با گرایش به جرم دارد. این نتیجه با پژوهش‌های حسینی و صالحی (۱۳۹۲)، فرهمند و همکاران (۱۴۰۳)، عباسی و همکاران (۱۳۹۸) و کریم‌رس، ویسینک و هووه (۲۰۲۵) همخوان است که فقدان حمایت را زمینه‌ساز بزهکاری زنان دانسته‌اند. خانواده‌های پشتیبان فشار روانی و اقتصادی فرزندان را کاهش داده و در شرایط استرس‌زا تمایل به راهکارهای مشروع را افزایش می‌دهند. یافته‌ها با نظریه کنترل خانوادگی نای، پیوند اجتماعی هیرشی و دیدگاه هارلاک و لاونولت همخوان‌اند و تأکید می‌کنند حضور مستمر حمایت والدین نقش کلیدی در افزایش تعهد به ارزش‌های خانوادگی و پیشگیری از بزهکاری دارد.

شدت خشونت خانگی و سابقه مجرمانه والدین رابطه مثبت و قوی با گرایش فرزندان به جرم دارد؛ افزایش این عوامل احتمال و شدت بزهکاری را بالا می‌برد. پژوهش‌های داخلی (شیردل و محمدی، ۱۳۹۹؛ شایگان و جبللی، ۱۳۸۹؛ حسینی و صالحی، ۱۳۹۲) و خارجی (فوستر و سالیزبری، ۲۰۲۵؛ کاپ و همکاران، ۲۰۲۵؛ هاتاوی، ۲۰۲۵) این اثر را تأیید کرده‌اند. نظریه ارتباط افتراقی ساترلند توضیح می‌دهد؛ مواجهه مستمر با الگوهای مجرمانه والدین تعاریف مساعد با جرم را درونی می‌کند. تنش عاطفی مزمن، به تعبیر لاونولت، فرزندان را به خشونت و جرایم پرخطر سوق می‌دهد. خشونت خانگی عمدتاً با جرایم فیزیکی مرتبط است،

در حالی که پیشینه کیفری والدین، به ویژه در مواد مخدر و جرایم اقتصادی، الگوی عملی لازم برای تکرار بزهکاری مشابه را فراهم می کند.

شدت تعارضات خانوادگی و محرومیت اقتصادی دوران کودکی رابطه مثبت و قوی با گرایش به جرم دارد. این نتیجه با پژوهش های شیردل و محمدی (۱۳۹۹)، همتی (۱۳۹۶) و حسینی و صالحی (۱۳۹۲) همخوان است. در کرمانشاه، بحران اقتصادی، مهاجرت و کاهش فرصت های شغلی حمایت های خانوادگی را تضعیف کرده است. کاهش منابع عاطفی و مادی و محدودیت مسیرهای مشروع اقتصادی، فرزندان را به خرده فرهنگ های جایگزین و جرایم مالی و مواد مخدر سوق می دهد. این سازوکار با نظریه آنومی مرتون و ناکامی منزلتی کوهن قابل توضیح است؛ محرومیت های بلندمدت میل به دستیابی سریع به منابع و گرایش به رفتار مجرمانه را میان جوانان افزایش می دهد و جرم در خرده فرهنگ همسالان نشانه توانمندی تلقی می شود.

مصرف مزمین مواد یا الکل توسط والدین گرایش فرزندان به جرم را افزایش می دهد و با مطالعات داخلی و خارجی (شیردل و محمدی، ۱۳۹۹؛ حسینی و صالحی، ۱۳۹۲؛ بولز و همکاران، ۲۰۱۲؛ مزارول اسلام و تالوکده، ۲۰۲۱) همخوان است. در کرمانشاه، تجربه جنگ، آسیب های روانی و فشار اقتصادی مصرف مواد را به شیوه ای رایج خوددرمانی تبدیل کرده است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی و ارتباط افتراقی، مشاهده این الگوها حساسیت نسبت به بزهکاری را کاهش می دهد. تضاد هنجارهای رسمی و غیررسمی کارکرد تربیتی خانواده را تضعیف کرده و با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی توضیح پذیر است. ضعف زیرساخت های حمایتی و محدودیت دسترسی به درمان، همراه با وضعیت اقتصادی نامناسب، فشار روانی را افزایش و نظارت خانوادگی را کاهش می دهد؛ بنابراین در خانواده های معتاد و فقیر، انتقال بین نسلی بزهکاری هموارتر می شود. ترکیب این عوامل - آسیب های روانی، تضاد فرهنگی، ضعف حمایت و فقر - رابطه اعتیاد والدین و بزهکاری فرزندان را تشدید می کند.

در نهایت، بزرگترین پیش بینی کننده های گرایش به جرم زنان رفتار مجرمانه والدین و مشکلات خانوادگی مستمر بودند و پس از آنها خشونت خانگی و محرومیت های کودکی قرار دارند. متغیرهای حمایتی شامل کیفیت روابط خانوادگی و حمایت والدین نقش بازدارنده دارند. ترکیب همه عوامل خانوادگی - رفتار والدین، خشونت، حمایت، تعداد فرزندان و نوع شغل والدین - ۷۲٪ واریانس گرایش به جرم را توضیح می دهد و اثرگذاری ترکیبی آنها را نشان می دهد. مدل لجستیک نیز اثرات پرخطر رفتار والدین و خشونت را تأیید و روابط حمایتی خانواده را بازدارنده می داند. خانواده به عنوان بستری یکپارچه از طریق حمایت یا

فشار روانی و اقتصادی، نقش کلیدی در شکل‌دهی رفتار مجرمانه زنان دارد و تحلیل جداگانه عوامل نمی‌تواند اهمیت تعامل و اثر ترکیبی متغیرهای خانوادگی را به‌درستی نشان دهد. بر اساس یافته‌های آماری معنادار این پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

- اجرای کارگاه‌های والد و فرزندمحور با تمرکز بر «فرزندپروری مثبت» و «ترمیم رابطه عاطفی مادر و دختری» در مناطق پرخطر.
- الزام مراکز ترک اعتیاد به برگزاری «جلسات مشاوره خانواده‌محور» برای کاهش الگوگیری بزهکارانه فرزندان؛
- ارائه حمایت‌های مالی و تحصیلی هدفمند به خانواده‌های کم‌درآمد با تعداد فرزند بالا و دختران در معرض ترک تحصیل؛
- ایجاد فرصت‌های اشتغال امن برای زنان سرپرست خانوار با همکاری شهرداری و پلیس، همراه با نظارت و حمایت اجتماعی؛
- تأسیس «مراکز جامع حمایت از خانواده» در مجاورت کلانتری‌ها برای اتصال نظام‌مند خانواده‌های پرخطر به نهادهای حمایتی؛
- طراحی «پلتفرم هوشمند ارجاع» برای شناسایی، اولویت‌بندی و ارجاع خودکار خانواده‌های پرخطر به مراکز حمایتی.

## سپاسگزاری

پژوهشگران مراتب سپاس خود را از دفتر پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان کرمانشاه اعلام می‌دارند که امکان ورود به زندان زنان کرمانشاه و تکمیل پرسشنامه‌ها را فراهم آوردند. همچنین از مدیران و کارکنان محترم زندان بابت همراهی در دسترسی به جامعه آماری و فراهم‌سازی زمینه گردآوری داده‌ها صمیمانه قدردانی می‌شود.

## منابع

- اسمعیلی، فرشته. (۱۳۹۵). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری زنان زندانی (مطالعه موردی ندامتگاه شهرری) (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- اعزازی، شهلا. (۱۴۰۳). جامعه‌شناسی خانواده. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- پولادی، محمدعلی و شلویری، گلرخ. (۱۳۷۸). بررسی عوامل بروز جرم در زنان زندانی خوزستان (طرح پژوهشی). اداره کل زندان‌های استان خوزستان.
- جربانی، حمید. (۱۳۸۹). بررسی آماری جرایم زنان ایران (با تأکید بر محکومیت به حبس). مجله حقوقی دادگستری، ۷۴(۷۲)، ۹۱-۱۱۷.

<https://doi.org/10.22106/jlj.2010.11160>

- حاتمی نژاد، زهره. (۱۳۸۶). بررسی عوامل خانوادگی-اجتماعی مرتبط با جرایم زنان (ندامتگاه اوین) (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی.

- حسینی، احمد و یکه‌کار، شیرین. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران (۱۳۸۶-۱۳۸۷). پژوهش اجتماعی، ۴(۱۲)، ۹۷-۱۱۵.

<https://lib.wrc.ir/scholar/view/1/18742>

- حسینی، احمد و صالحی، فرزانه. (۱۳۹۲). عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم زنان زندانی زنجان. پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۱(۱)، ۸۳-۹۷.

- ربانی‌اصفهانی، حوریه و ربانی‌خوراسگانی، علی. (۱۳۹۳). بررسی کیفی تأثیر خانواده در میزان بزهکاری دختران و زنان: مطالعه موردی بند نسوان زندان مرکزی اصفهان. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲(۸)، ۱۷-۳۳.

<https://doi.org/10.22059/jrjss.2015.51883>

- زمانی، فریبا. (۱۳۹۱). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر وضعیت خانوادگی در بزهکاری زنان در تهران (جامعه آماری: زنان مجرم زندان اوین در دهه ۱۳۸۰). جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۳(۲)، ۷۹-۹۹.

<https://doi.org/10.22059/jrjss.2015.51883>

- زمان‌زاده، اکبر و شادمان‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۶). رابطه عوامل خطر ساز در خانواده با گرایش به جرائم مواد مخدر با تأکید بر پیشگیری رشد مدار (مورد مطالعه: زندانیان شهرستان یزد). پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۵(۲)، ۱۳۷-۱۵۶.

[http://pssw.jrl.police.ir/article\\_19864.html](http://pssw.jrl.police.ir/article_19864.html)

- شاهبوندی، احمد، ریسی‌وانانی، رضا و سلطانی، مرضیه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم زنان در شهر اصفهان. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۳(۱)، ۷۹-۱۰۷.

- شایگان، فریبا و جبلی، معصومه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش به بزهکاری زنان. فصلنامه پلیس زن، ۴(۱۳)، ۶۳-۱۰۰.

<http://ps.jrl.police.ir>

- شیردل، الهام و محمدی، مریم. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی منسجم نبودن خانواده و تکرار جرم در زندانیان زن سابقه‌دار. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۹)، ۳۷-۶۳.

<https://doi.org/10.22034/jwss.2020.219926.2268>

- صفدری، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی مؤثر در بزهکاری دختران نوجوان شهر مشهد با تأکید بر خانواده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم انتظامی.
- عباسی، الهام، آقاجانی مرساء، حسین و کلدی، علیرضا. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی کج‌رفتاری‌های اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهرستان خرم آباد). *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۷(۲)، ۱۵۳-۱۷۵.
- [http://pssw.jrl.police.ir/article\\_92815.html](http://pssw.jrl.police.ir/article_92815.html)
- علمی، محمود، تقوی، نعمت‌الله و کاظمی‌فر، سولماز. (۱۳۸۹). بررسی نقش عوامل اجتماعی در گرایش به جرم زنان زندان شهر تبریز. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳(۹)، ۷-۲۱.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jss/Article/957597>
- فرهمند، مهناز، سعادت‌فر، سمیه، و دانافر، فاطمه. (۱۴۰۳). واكوی تجارب زیسته زنان زندانی: از حسرت کودکی تا تداوم جرایم. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۲(۱)، ۶۷-۸۷.
- <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.357455.1008330>
- کی‌نیا، مهدی. (۱۴۰۳). مبانی جرم‌شناسی. انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم: مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژرفتاری اجتماعی. انتشارات آن.
- ملک‌الساداتی، سعید، رئیس‌السادات، ریحانه و هوشمند، محمود. (۱۴۰۳). تبعیض در دستیابی به فرصت‌های شغلی برای مادران در بازار کار شهری ایران. *اقتصاد شهری*، ۹(۱)، ۱-۱۶.
- <https://doi.org/10.22108/ue.2024.143371.1302>
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۵). *انحرافات اجتماعی*. شرکت سهامی انتشار.
- همتی، رقیه. (۱۳۹۶). *ارزیابی علت‌ها و پیامدهای جرایم زنان زندانی در شهر قزوین* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- Barber, K. (1992). Family, personality, and adolescent problem behaviors. *Journal of Marriage and the Family*, 54(1), 69-79.  
<https://doi.org/10.2307/353210>
- Bernburg, J. G. (2019). *Anomie theory*. In *Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice* (pp. 1-28). Oxford University Press.  
<https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.244>
- Bowles, A., DeHart, D., & Webb, R. (2012). Family influences on female offenders' substance use: The role of adverse childhood events among incarcerated women. *Journal of Family Violence*, 27(7), 681-686.  
<https://doi.org/10.1007/s10896-012-9450-4>
- Cohen, A. K. (1971). *Delinquent boys: The culture of the gang*. Free Press.
- Copp, J., Mumford, E., & Taylor, B. (2025). Parenting and young adult crime: The enduring effects of parental attitudes and behaviors. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 62(4), 567-596.  
<https://doi.org/10.1177/00224278251315425>
- Creemers, H., Wissink, I., & Hoeve, M. (2025). Editors' introduction to the special issue: New findings on family factors in juvenile delinquency prevention. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 69 (8), 891-897.  
<https://doi.org/10.1177/0306624X241288968>

- Elliot, J., & Sheldon, M. (1998). Not all personal goals are personal: Comparing autonomous and controlled reasons for goals as predictors of effort and attainment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 24(5), 546–557.  
<https://doi.org/10.1177/0146167298245010>
- Foster, M., & Salisbury, E. (2025). Childhood physical victimization and relationship dysfunction in justice involved women: A path analysis. *Social Sciences*, 14(4), 1–15.  
<https://doi.org/10.3390/socsci14040196>
- Hathaway, A. M. (2025). Female offenders: Patterns, risk, and assessment. *Psychiatric Times*, 42(4).
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. University of California Press.
- Hurlock, B. (1974). *Personality development*. McGraw-Hill.
- Islam, M., & Talukder, A. (2021). The impact of vulnerable family relation on female criminality: Its forms, causes, and consequences in society. *Journal of Kolkata Society for Asian Studies*, 7(1), 166–179.  
<https://jrksas.org/JIssue9.php>
- Kapetanović, S., & Skoog, T. (2020). The role of the family's emotional climate in the links between parent–adolescent communication and adolescent psychosocial functioning. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 49(2), 141–154.  
<https://doi.org/10.1007/s10802-020-00705-9>
- Mandatori, F., & Fitch, C. (2021). An examination of adult female and male offending within the context of strain. *Journal of Student Research*, 10(4), 1–18.  
<https://doi.org/10.47611/jsr.v10i4.1415>
- Mears, D., & Stafford, M. (2022). A reconceptualization of social bond theory to predict change sequences in offending. *Crime & Delinquency*, 70(1), 1–23.  
<https://doi.org/10.1177/00111287221088000>
- Nye, I. (1958). *Family relationships and delinquent behavior*. John Wiley & Sons.
- Rajkhowa, S., & Deka, B. (2023). Theoretical perspectives of female criminality with reference to strain theory. *CMR University Journal for Contemporary Legal Affairs*, 5(1), 84–107.  
<https://www.cmr.edu.in/school-of-legal-studies/journal/>
- Siegel, J., & Senna, J. (1993). *Juvenile delinquency: Theory, practice, and law*. West/Wadsworth.
- Steffensmeier, D., & Allan, E. (1996). Gender and crime: Toward a gendered theory of female offending. *Annual Review of Sociology*, 22, 459–487.  
<https://doi.org/10.1146/annurev.soc.22.1.459>
- United Nations. (1988). *Third United Nations Survey of Crime Trends and Operations of Criminal Justice Systems*, covering 1975–1985. United Nations Office at Vienna.
- Williams, P., & McShane, D. (2018). *Criminological theory*. Pearson.